

## مدیر محترم مجله بررسیهای تاریخی

نامه‌ی آقای دکتر جان پری را که در پاسخ نامه‌ی بنده نوشته‌اند، مطالعه کرده و اکنون پس از اظهار تشکر از جنابعالی به آن پاسخ میدهم.

آقای جان پری در انتقادی که در شماره ۳ مجله بررسیهای تاریخی نموده بودند اصرار عجیبی داشته‌اند تا روی بعضی از حقایق تاریخی به نحوی پرده کشیده و آنها را طور دیگر جلوه دهند. در این باره بنده در شماره ۴ پاسخ ایشان را دادم ولی مثل اینکه ایشان در بعضی از قسمت‌ها هنوز صد درصد راضی نشده‌اند از جمله مینویسند: «باید صریحاً اعتراف بکنم چنین توضیح بدیعی اصلاً بخاطرم راه نیافته بود ولی هنوز در اینمورد تا اندازه‌ای شك دارم».

بسیار سپاسگزارم که آقای پری این نظر بنده را «توضیح بدیعی» دانسته‌اند، ولی چرا شك دارند؟ بنده که تمام عرایض خود را با ذکر دلیل و مدرک ارائه داده‌ام.

ایشان در صفحه ۲ نامه‌ی خود مطالبی نوشته و هنوز هم اصرار دارند که مطالب بی‌ارزش آرشیو کمپانی هند شرقی انگلیس را قابل اعتماد جلوه دهند، لذا مینویسند: «... عرض میشود از این میتوان به آرشیو کمپانی اعتماد کرد که دارای مدارکی

است که درباره مأموریت و مسافرت و مذاکرات همین نماینده هم از ریاست (Presidency) شرکت هند شرقی در بمبئی هم از پایگاه آن شرکت در بوشهر صادر شده و برای هیئت مدیره شرکت (Directors) در لندن ارسال گردید. بنظر آقای روشن ضمیر، چه کسی میتواند است بهتر از آنها بداند که اسکپ که بوده و کجا رفته بکدام تاریخ و بچه دلیل».

جناب آقای پری بنده با این امر هیچ مخالفتی ندارم و بخوبی میدانم که هم ریاست شرکت هند شرقی در بمبئی و هم هیئت مدیره شرکت در لندن از مأموریت آقای اسکپ اطلاع داشته و حتی خودشان او را مأمور کرده اند. ولی موضوع آنست که اسکپ هم مانند یکی دیگر از هم مسلکان و هموطنان خویش یعنی جانالتون بخدمت دولت روسیه در آمده و سپس بدستور اربابان خود برای راه یافتن به دربار کریم خان به عنوان «ایلچی پادشاه روس» بخدمت وی رسیده است تا بتواند کاری انجام دهد.

جنابعالی در پاسخ این جمله بنده «در آنموقع سالها بود که اتباع انگلیسی و فرانسه از ایران رفته و یا رانده شده بودند» مرقوم فرموده اید: «حال آنکه يك عامل شرکت انگلیسی در تمام این مدت تا سال ۱۷۶۹ مقیم بوشهر بود و نیز کشیشها و راهبان مسیحی اتباع فرانسه در همه جای ایران بودند و با رخصت و حمایت خود کریم خان باقامتشان ادامه دادند» آنگاه شما بعنوان دلیل این ادعایتان فرمائی از کریم خان را که در سال ۱۱۷۷ هجری برابر با ۱۷۶۴ میلادی نوشته شده است ارائه داده اید. آن فرمان را مجدداً مطالعه کردم ولی در آن ابدأ نامی از انگلیسها و عمال

شرکت هند شرقی انگلیس ندیدم . بلکه فقط در مورد یکنفر مبلغ تبعه فرانسه میباشد و بس و هیچ ربطی به بحث مورد نظر ما ندارد . از آن گذشته چرا شما به تاریخ آن یعنی تاریخی که بحث ما برسر آنست توجه نمیفرمائید ؟؟

شما نمیخواهید قبول کنید که در ظرف سه سال ممکن است جریانات سیاسی نقششان عوض شود و رابطه میان کریم خان و عمال شرکت هند شرقی انگلیس اندکی تغییر یابد ؟

جنابعالی در نامه‌ی خود نوشته‌اید «پس عجیب است که در یکسال اینقدر سفارت مختلف در شیراز بار انداخته باشند و عجیب‌تر اینست که از یکدیگر مخفی مانده باشند» .

آقای عزیز این هیئت انگلیسی پنج ماه در شیراز ماندند ولی نتوانستند از کریم خان اجازه ملاقات بگیرند چون از نظر وی آنها میهمانانی مزاحم و ناخوانده بودند و مسلماً تحت نظر هم بوده و اجازه نداشته‌اند تا با آزادی کامل با مردم تماس حاصل نمایند . و اما آنچه که نوشته‌اید : «عجیب‌تر اینست که از یکدیگر مخفی مانده باشند» . خدمتتان عرض میشود :

شما به خط خود نوشته‌اید «... بنده حس میکنم کریم خان و اعضای دربار وی با هوش‌تر از آن بودند که بدین سادگی گول بخورند» .

این عقیده کاملاً درست است و بهمین سبب هم کریم‌خان و اعضای دربار وی جلوی آزادی کامل آن میهمانان ناخوانده یعنی هیئت انگلیسی را گرفته و اجازه ندادند تا خبر ورود «ایلچی پادشاه روس» را دریافت کنند . از آن گذشته ، بنا بگفته خودتان ،

آقای اسکپ برای آن هیئت انگلیسی ، ایلچی پادشاه روس نبوده بلکه آنها خوب میدانسته‌اند که وی چه کسی است و چه نقشی را بعهده گرفته است ، پس در اینصورت احتیاجی نبوده است که درباره وی یعنی کسی که بلباس ایلچی درآمد بود مطالبی تهیه کرده و گزارش دهند .

شما درباره موفق نبودن عمال شرکت هند شرقی انگلیس در کسب خبرهای سیاسی و غیر قابل اعتماد بودن گزارش‌های آرشیو کمپانی هند شرقی و توسل انگلیسها به آن بازرگانان کازرونی و گزارشهای وی ، که بنده بدان اشاره کرده‌ام ، شك کرده و چنین نوشته‌اید : «با توجه به اینکه کازرون بین راه سرزمین کعب و پایتخت زند واقع شده است در اینصورت احتمال دارد آنمرد نمایندگان کعب را بچشم خود دیده باشد نیز چون يك بازرگان از اهالی فارس بیشتر با اوضاع وطن خود آشنا بود ... چرا گزارش او را قبول نکنیم» .

جناب آقای پری ، من هیچگاه نگفته‌ام که انگلیسها گزارشهای خبرنگارشان یعنی آن آقای بازرگان کازرونی را قبول نکنند اما باید بعرضتان برسانم که نمایندگان بنی کعب ناچار بوده‌اند که از خوزستان برای رسیدن به شیراز از کازرون عبور کنند ولی از شما میپرسم آیا ایلچی پادشاه روس هم ناچار بوده است که برای رسیدن به شیراز راه خود را فرسنگها دور کرده و از راه کازرون سفر کند؟؟

آقای دکتر پری جنابعالی مرقوم فرموده‌اید : «پیشنهاد آقای روشن ضمیر که «امکان هم وجود دارد که اسکپ واقعا از دولت

روس چنین ماموریتی بدست آورده باشد» بی‌موجب و بی‌ماخذ است». ولی جناب آقای دکتر پری همانطور که در پاسخ شما نوشتم، این مطلب برای هر مورخ اروپائی از جمله جنابعالی که مورخی انگلیسی هستید کاملاً آشکار است که در آن دوران این امری عادی بوده است که بسیاری از نمایندگان بازرگانی و سیاسی و حتی افسران ارتش روسیه اغلب آلمانی و یافرانسوی و انگلیسی بوده‌اند. در مورد آلمانها و فرانسویها که در خدمت دولت روسیه بوده‌اند در نامه قبلی خود بدان اشاره کرده‌ام ولی درباره آنکه انگلیسها هم مانند سایرین به خدمت دولت روسیه درمی‌آمده‌اند کافی است که بعنوان مثال جان التون Elton را بخندمتتان معرفی نمایم. وی از سال ۱۷۳۵ تا ۱۷۳۸ در خدمت دولت روسیه بوده و سپس به ایران آمده است. برای اطلاع دقیق و کافی به منابع و مآخذی که درباره نادرشاه نوشته شده است مراجعه بفرمائید. یکی از این منابع کتابی است تحت عنوان:

An historical account of the British trade over the Caspian Sea ,  
London MDCCLIV.

یا چاپ سال ۱۷۶۲ میلادی

که توسط آقای Jonas Hanway نوشته شده است. لطفاً به جلد دوم صفحه‌های ۹ و ۱۰ آن کتاب مراجعه بفرمائید.

شما نوشته‌اید «اما منابعی که آقای روشن ضمیر نام برده‌اند چنین دلائلی بدست نمیدهد».

در پاسخ بعرضتان میرساند که آن منابع همه بزبان آلمانی نوشته شده‌اند و تا کنون ندیده‌ام که شما در مقالات خود به آنها و اصولاً به آن نوع کتابها اشاره نمائید.